

اعتبارسنجی ساختار عاملی مقیاس خودسنجی خرد در دانشجویان Validation of the Self-Assessed Wisdom Scale (SAWS) in Students

Roghayeh Ghorbani, PhD[✉]رقیه قربانی^۱

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the psychometric indicators of the Wisdom Scale (SAWS) among students. This study is classified as descriptive-correlational research to select the desired sample from undergraduate students of Shiraz University in the academic year 2023-2024, 421 people were selected using multi-stage cluster random sampling method and completed the Webster Wisdom Scale and Goldberg Personality Traits questionnaires. The research data were analyzed in SPSS-22 and AMOS-22 software. The results of confirmatory factor analysis confirmed the existence of a five-factor structure in the scores obtained from the Persian version of the Wisdom Scale. In such a way that this scale has an acceptable fit with the data and all the goodness-of-fit indices for the five-factor model of wisdom were confirmed. In addition, Cronbach's alpha values for the components of the wisdom self-assessment scale were between 0.71 and 0.76, and for the total wisdom score was 0.80, which indicates the desirable reliability of the wisdom self-assessment tool. Also, the correlation coefficient of this scale with the extraversion and neuroticism dimensions of personality was 0.36 and -0.17, respectively, which indicates the convergent and divergent validity of this tool. These results indicate that the wisdom self-assessment scale (SAWS) can be used as a suitable tool for identifying wisdom in students with slight changes.

Keywords: Self-Assessed Wisdom Scale, Wisdom, Personality, Factor Analysis, Validity, Reliability.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس خرد (SAWS) در بین دانشجویان انجام گرفت. این پژوهش به لحاظ روش توصیفی-همبستگی بود. برای انتخاب نمونه از بین دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳، تعداد ۴۲۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های مقیاس خودسنجی خرد وبستر و ویژگی‌های شخصیت گلدبرگ را تکمیل کردند. داده‌های پژوهش در نرم‌افزار SPSS-22 و AMOS-22 مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج مربوط به تحلیل عامل تأییدی وجود یک ساختار پنج‌عاملی در نمرات حاصل از نسخه فارسی مقیاس خودسنجی خرد را مورد تأیید قرار داد. به‌گونه‌ای که این مقیاس برازش قابل‌قبولی با داده‌ها داشته است و کلیه شاخص‌های نیکویی برازش برای الگوی پنج‌عاملی خردمندی تأیید شد. علاوه بر این مقادیر آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های مقیاس خودسنجی خرد بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۶ و برای نمره خرد کل ۰/۸۰ به‌دست آمد که نشانگر مطلوب بودن اعتبار ابزار خودسنجی خردمندی است. همچنین ضریب همبستگی این مقیاس با ابعاد برون‌گرایی و روان‌آزرده‌گرایی شخصیت به ترتیب (۰/۳۶، ۰/۱۷-) و (p=۰/۰۱) به‌دست آمد که بیانگر روایی همگرا و واگرا این ابزار است. این نتایج نشان می‌دهد که مقیاس خودسنجی خردمندی با اندکی تغییرات می‌تواند ابزار مناسبی برای شناخت خردمندی در دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد. **واژه‌های کلیدی:** مقیاس خودسنجی خردمندی، شخصیت، تحلیل عامل، روایی، اعتبار.

● مقدمه

خرد (wisdom) یک سازه باستانی است که براساس رویکردهای هنجاری در فرهنگ‌های مختلف مفهوم‌سازی شده است (فانگ و همکاران، ۲۰۲۰). در سال‌های اخیر تحقیقات در این زمینه رشد قابل توجهی نشان داده است (وستستریت و همکاران، ۲۰۱۹) و تلاش برای شناسایی تفاوت‌های اجتماعی و روان‌شناسی این مفهوم صورت گرفته است (فراری و الحسینی، ۲۰۱۹). روان‌شناسان امروزی خرد را در چند دسته، عناصر شخصیتی (آردلت، ۲۰۰۳؛ وبستر، ۲۰۱۹)، پتانسیل حل مسئله و سازش با محیط (استرنبرگ، ۲۰۲۰) و کشف سازوکارهای خلاقانه در جهت کسب نتیجه نوع‌دوستانه (زانگ و همکاران، ۲۰۲۳) و... تعریف کرده‌اند. علی‌رغم تعاریف متعدد در حوزه خرد، سنجش علمی و دقیق خرد، چالش‌های اساسی را به همراه داشته است. برخی معتقدند که اندازه‌گیری این مفهوم چندبعدی بسی دشوار است و تنها با ارزیابی ویژگی‌های مورد توافق می‌توان آن را به‌طور غیرمستقیم محک زد (گلوک و بلوک، ۲۰۱۳).

برای اندازه‌گیری این مفهوم تاکنون دو دسته کلی معیارهای عملکردی و خودگزارشی وجود دارد (گلوک، ۲۰۱۸؛ کنزمان، ۲۰۱۹). در اندازه‌گیری عملکردی (performance measures) طراحی شده براساس پارادایم برلین (بالتس و استادینگر، ۲۰۰۰) از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود به‌صورت گفتاری یا نوشتاری به سؤال‌های باز پاسخ دهند و ارزیاب آموزش‌دیده امتیازات را لحاظ می‌کند (کنزمان، ۲۰۱۹)؛ علاوه‌بر صرف زمان و هزینه زیاد، برانگیختگی هیجانی (emotional arousal) و افزایش تمرکز بر خود (self-focus) در چالش‌های زندگی واقعی می‌تواند میزان استفاده افراد از راهبردهای استدلالی مرتبط با خرد را محدود سازد و باعث مخدوش شدن نتایج گردد (گروسمن و کراس، ۲۰۱۴). روش خودگزارشی (self-report measure) نوع دوم اندازه‌گیری خرد است که در آن افراد براساس ماده‌های از پیش تعیین‌شده، ویژگی‌های خود را درجه‌بندی می‌سازد. این روش با اجرا و نمره‌گذاری سهل‌تر، ولی با یک مشکل ذاتی همراه است، چرا که افراد خردمند نسبت به سایر افراد، خودانعکاسی (self-reflective) بیشتری دارند؛ بنابراین با تمرکز بیش از حد بر نقاط ضعف خود، ارزیابی کمتر از حد معمول برای شخص، بسیار محتمل است (گلوک، ۲۰۱۸؛ برینزا و همکاران، ۲۰۱۸). استرنبرگ و همکاران (۲۰۲۳)، بیان کردند که هریک از رویکردهای خرد، دارای شایستگی‌های خاص خود هستند که زمینه را برای علاقه‌مندان فراهم می‌کنند تا مسائل مربوط به جنبه‌های متعدد خرد را مورد مطالعه قرار دهند (فانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به رویکردهای مختلف در حوزه خرد، توسعه ابزارهای روان‌سنجی معتبر و قابل اطمینان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که این ابزارها امکان اندازه‌گیری کمی و علمی این مفهوم پیچیده را فراهم می‌سازند (استادینگر و گلوک، ۲۰۱۱). با این حال، اکثر مقیاس‌های موجود در فرهنگ‌های غربی هنجاریابی شده‌اند. ابزار خودسنجی خرد وبستر (۲۰۰۷) از جمله این ابزارها است. این ابزار جز، ابزارهای معتبر خرد است که اغلب توسط محققان و روان‌شناسان مورد استفاده قرار گرفته است و ارزیابی مثبتی از سازگاری درونی و ویژگی‌های روان‌سنجی آن دریافت شده است (تیلور و همکاران، ۲۰۱۱؛ وبستر، ۲۰۱۰). به‌طور مثال پژوهش‌ها نشان دادند که خرد خودسنجی وبستر با انسجام هویتی (ego-integrity)، نگرش‌ها و ارزش‌های زندگی، خوش‌بینی (وبستر و همکاران، ۲۰۱۸) و سلامت روانی (وبستر و همکاران، ۲۰۱۴) همبستگی مثبت داشته است و در عین حال می‌تواند کاهش‌دهنده رویدادهای آسیب‌زای زندگی نیز باشد (وبستر و دنگ، ۲۰۱۵). این مقیاس از تعامل و ادغام پنج بعد متفاوت همچون تجربیات حیاتی زندگی (critical life experiences)، تأمل و یادآوری خاطرات (reminiscence)، گشودگی به تجربه (openness to experiences)، شوخ‌طبعی (humor)، تنظیم هیجان (emotion regulation) برای شناسایی افراد خردمند بهره می‌جوید (وبستر، ۲۰۱۹). بر این اساس خرد به‌عنوان یک انسجام چندبعدی از پنج عامل متقابل و وابسته به یکدیگر مفهوم‌سازی شده است و هنگامی که ترکیب این ابعاد به میزان بالایی باشد که فرد بتواند با خودمدیریتی بالا، چالش‌های زندگی و تحصیلی را به شکل مطلوب پشت سر بگذارد (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲)؛ به‌عنوان فرد خردمند شناخته می‌شود (وبستر و همکاران، ۲۰۱۴).

با وجود ابزارهای متعدد در اندازه‌گیری خرد، پژوهش‌های کمی در زمینه اعتبارسنجی و بومی‌سازی این مقیاس‌ها در فرهنگ‌های غیرغربی، به‌ویژه جوامع شرقی و اسلامی انجام شده است (بروگمن، ۲۰۰۶) این امر به ویژه برای کشورهایمانند ایران که دارای پیشینه فرهنگی و دینی منحصر به فرد هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بر این اساس پژوهشگران ایران به این مهم پرداخته‌اند و پژوهش‌هایی هر چند محدود در زمینه اندازه‌گیری و هنجاریابی ابزارهای مرتبط با خرد انجام داده‌اند (برای مثال چراغی و همکاران، ۲۰۱۵؛ منظمی تبار

و همکاران، ۱۳۹۸، جعفری و همکاران، ۱۳۹۶)؛ ولی اغلب این پژوهش‌ها ابزارهایی کلی و عمومی برای اندازه‌گیری خرد هنجاریابی یا توسعه داده‌اند که بیشتر جنبه شناختی خرد را مد نظر داشته‌اند و ابزاری که هم‌زمان تعامل چندگانه شناخت، هیجان و شخصیت باشد و در عین حال مختص دانشجویان باشد، کمتر دیده شده است و در این زمینه شکاف پژوهشی وجود دارد. بنابراین هنجاریابی چنین ابزاری در نمونه دانشجویی می‌تواند به بسط و غنای تحقیقات فرهنگی در این زمینه کمک کند و در عین حال اعتباریابی چنین ابزاری در زمینه تقویت ابعاد خردمندی در دانشجویان می‌تواند تسهیل‌گر باشد. پژوهش حاضر نیز با این هدف شکل گرفت تا نسخه مقیاس خودسنجی خرد در جامعه ایرانی مورد بررسی و هنجاریابی قرار گیرد و به این سوال پاسخ داده شود که آیا مقیاس خودسنجی خرد وبستر در جامعه دانشجویان ایرانی از برازش مطلوب برخوردار است؟ آیا این پرسشنامه در نمونه دانشجویان ایرانی از میزان پایایی و روایی مطلوب برخوردار است؟

• روش

این پژوهش از جمله پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی به شیوه تحلیل عامل تأییدی است. برای احراز روایی صوری مقیاس، ابتدا مقیاس توسط متخصصان با روش ترجمه معنایی و مفهومی (backward-forward) و پس از انطباق آن با نسخه اصلی، این پرسشنامه به صورت تصادفی در نمونه به حجم ۴۰ نفر به صورت پایلوت اجرا گردید و ماده‌های مبهم توسط متخصصان مورد بازنویسی قرار گرفت. پس از بررسی مشکلات احتمالی و حصول اطمینان، اجرا روی نمونه گسترده دانشجویی انجام شد و شاخص‌های روان‌سنجی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش، دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ (به تعداد حدود ۱۶۰۰۰ نفر) بودند که براساس جدول چسی و مورگان نمونه‌ای با حجم ۳۸۰ نفر برآورد شد و جهت جلوگیری از افت آزمودنی‌ها به دنبال رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی در پژوهش‌های میدانی، با در نظر گرفتن ۲۰ درصد احتمال افت، حجم نمونه ۴۴۰ نفر برآورد و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور ابتدا از بین دانشکده‌های دانشگاه شیراز، ۵ دانشکده علوم تربیتی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و ادبیات و مهندسی انتخاب سپس از هر دانشکده ۴ تا ۵ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در بین دانشجویان کلاس‌های منتخب توزیع و جمع‌آوری شد. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی رضایت شرکت‌کنندگان شرط تکمیل پرسشنامه قرار گرفت و به آنها اطمینان داده شد که به هیچ‌عنوان غیر از اهداف پژوهشی استفاده دیگری از اطلاعات آنها نخواهد شد. پس از بررسی اولیه، ۱۲ پرسشنامه به دلیل کامل نبودن و ۹ مورد به عنوان شناسایی داده‌های پرت (با استفاده از شاخص فاصله ماهالانوبیس (Mahalanobis Distance) از تحلیل نهایی حذف شدند و در نهایت تحلیل‌های آماری با تعداد ۴۲۱ نفر صورت گرفت. در تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار SPSS (نسخه ۲۲) به منظور تحلیل داده‌های توصیفی و از نرم افزار AMOS (نسخه ۲۲) برای تحلیل عامل تأییدی استفاده شد.

• ابزارها

الف) مقیاس خودسنجی خردمندی (the self-assessed wisdom scale -SAWS): وبستر (۲۰۰۷) مقیاس خودگزارشی خرد ۴۰ ماده‌ای با مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱=کاملاً مخالفم تا ۶=کاملاً موافقم طراحی کرد. این مقیاس دارای ۵ بعد مفهومی تجربیات بحرانی زندگی، تنظیم هیجان، شوخ‌طبعی، گشودگی به تجربیات و مرور و تأمل بر خاطرات فرد خردمند است. نمره هر خرده‌مقیاس از مجموع ماده‌های مربوطه و نمره کل مقیاس از جمع نمرات تمام ماده‌ها حاصل می‌گردد.

وبستر (۲۰۰۷) برای روایی سازه این ابزار تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی پنج بعد فرضی خرد و کل امتیاز SAWS را تأیید کرد. همچنین نتایج مطالعه وی ضریب همبستگی درونی نمره کل را بین ۰/۹۰-۰/۸۸ و ضریب اعتبار را (آزمون- بازآزمون با دو هفته فاصله) معادل ۰/۸۴ و آلفای کرونباخ کل ۰/۹۴ گزارش کرد.

ب) پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (فرم کوتاه) (big five personality factor questionnaire-BPFQ): در این پژوهش از پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (گلدبرگ، ۱۹۹۹) فرم کوتاه ۲۱ ماده‌ای، تدوین شده توسط خرمانی و فرمانی (۱۳۹۳)

استفاده شد. این مقیاس براساس درجه‌بندی ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱=کاملاً نادرست تا ۶=کاملاً درست طراحی شده است. در این مقیاس نمره ابعاد جدا محاسبه می‌شود و نمره کل وجود ندارد. خرمائی و فرمانی (۱۳۹۳) در جهت تأیید روایی مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری ۰/۷۹ و مقدار خي آزمون بارتلت ۳۵۳۲ در سطح $p < 0.001$ معنادار بیان کرد. آنها جهت ارزیابی اعتبار ضریب آلفای کرونباخ ابعاد پرسشنامه را بالای ۰/۷۰ گزارش کردند. در این پژوهش آلفای کرونباخ ابعاد روان‌نژندی ۰/۷۵ و گشودگی به تجربه ۰/۷۲ به‌دست آمد.

• یافته‌ها

در جهت تحلیل یافته‌ها شاخص‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد نظر در جدول ۱ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است از مجموع ۴۲۱ شرکت‌کننده ۲۶۲ زن (۶۵/۲۳ درصد) و ۱۵۹ مرد (۳۴/۲۱ درصد) با میانگین سنی ۲۱/۳۲ و انحراف معیار ۳/۴۵ بودند. در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیرها بیان شده است.

پس از بیان شاخص‌های توصیفی ابعاد خرد، ابتدا اعتبار نمره کل مقیاس همراه با اعتبار مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. جهت ارزیابی اعتبار ابزار خودسنجی خردمندی از آلفای کرونباخ استفاده گردید. در جدول ۳ ضرایب همراه با تعداد ماده‌ها گزارش شده است. همان‌طور که نتایج جدول ۳ قابل مشاهده است، آلفای کرونباخ مؤلفه‌های مقیاس خودسنجی خرد از بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۶ و برای نمره خرد کل ۰/۸۰ گزارش شده است که نشان‌گر مطلوب بودن اعتبار این ابزار است. قبل از انجام تحلیل‌های اصلی، پیش‌فرض‌های مهم انجام آزمون‌های آماری پارامتریک همچون از شاخص کجی (skewness)، کشیدگی (kurtosis) جهت نرمال بودن متغیرها و از شاخص‌های تحمل (tolerance) و عامل تورم واریانس (variance inflation factor) جهت ارزیابی هم‌خطی چندگانه متغیرهای مستقل استفاده شد که در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۱. توزیع گروه نمونه بر حسب دانشکده و جنس مشارکت‌کنندگان

دانشکده‌ها	کلاس	تعداد	زنان	مردان	کل
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱- علوم تربیتی و روان‌شناسی	۴	۷۱	۱۶/۸۶	۴۰	۲۶/۳۶
۲- علوم پایه	۴	۵۵	۱۳/۰۶	۳۹	۲۲/۳۲
۳- مهندسی	۳	۴۳	۱۰/۲۱	۲۸	۱۶/۸۶
۴- ادبیات و معارف اسلامی	۳	۵۷	۱۳/۵۳	۳۲	۲۱/۱۴
۵- علوم اجتماعی	۳	۳۶	۸/۵۵	۲۰	۱۳/۳۰
کل	۱۷	۲۶۲	۱۰۰	۱۵۹	۴۲۱

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
تجربیات حیاتی زندگی	۳۸/۲۳	۴/۴۹	۲۶	۴۸
تنظیم هیجان	۳۵/۷۷	۵/۳۴	۱۷	۴۸
شوخ طبیعی	۳۸/۱۰	۵/۲۳	۱۸	۴۸
باز بودن به تجربیات	۳۶/۷۲	۵/۶۳	۱۱	۴۸
تأمل / مرور	۳۵/۱۸	۵/۱۳	۲۰	۴۷
خرد کل	۱/۸۴	۱۸/۵۱	۱۲۸	۲۳۰

جدول ۳. آلفای کرونباخ ابعاد پرسشنامه خودسنجی خردمندی (SAWS)

متغیر	تعداد ماده	ضریب
تجربیات حیاتی زندگی	۶	۰/۷۱
تنظیم هیجان	۷	۰/۷۴
شوخ طبیعی	۷	۰/۷۴
باز بودن به تجربیات	۸	۰/۷۰
تأمل / مرور	۸	۰/۷۶
خرد کل	۴۰	۰/۸۰

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است در بررسی پیش‌فرض‌های نرمال‌بودن توزیع متغیرها، نتایج حاکی از نرمال‌بودن توزیع تک‌متغیری با (کمترین مقدار کجی ۰/۵۴- و بیشترین مقدار ۰/۰۷، کمترین مقدار کشیدگی ۰/۲۹- و بیشترین مقدار کشیدگی ۰/۷۴) بود. همچنین شاخص تحمل بین ۰/۶۴ تا ۰/۷۴ (حد قابل قبول ۱ تا ۰) و شاخص تورم واریانس از (۱/۳۹ تا ۱/۵۵) حد قابل قبول کمتر از ۵ دیده شد. پس از حصول اطمینان از پیش‌فرض‌های مدل و نبود هم‌خطی بین آنها، جهت ارزیابی و بررسی روایی سازه در مقیاس خودسنجی خردمندی از تحلیل عامل تأییدی (confirmatory factor analysis) با روش برآورد بیشینه درست‌نمایی استفاده گردید. بر این اساس ابتدا ساختار مقیاس موردنظر در برنامه ایموس رسم گردید. پس از ترسیم اولیه مدل و بررسی بارهای عاملی مربوط به هر ماده، ماده‌هایی که بار عاملی کمتر از ۰/۳۲ را نشان دادند از مدل حذف گردید و شاخص‌های مختلف جهت برازش مدل، مورد ارزیابی قرار گرفت. شاخص‌ها پس از برازش مطلوب در جدول ۵ گزارش شده است.

در جدول ۵ قابل مشاهده است که نسبت مجذور کای به درجه آزادی، ۱/۸۷/۱ در فاصله قابل برازش ۱ تا ۳، شاخص‌های FI G، AGFI، IFI و CFI به ترتیب، ۰/۹۱، ۰/۹۰، ۰/۹۰ و ۰/۹۰ در سطح قابل قبول حداقل ۰/۹۰، شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۴ در سطح قابل قبول کمتر از ۰/۰۸ و مقدار PCLOSE، ۰/۹۵ در سطح قابل قبول بزرگتر از ۰/۰۵ به دست آمد. ضرایب بارهای عاملی در جدول ۶ گزارش شده است.

همان‌طور که در جدول ۶ قابل مشاهده است، در این پژوهش ماده‌های ۲۱، ۳۱ از بعد تجربیات حیاتی زندگی، ماده ۷ از بعد تنظیم هیجان و ماده ۱۰ از بعد گشودگی به تجربه به دلیل نبود بارگذاری مناسب روی عامل مربوطه حذف گردیدند. حذف این ماده‌ها می‌تواند به دلایل مختلفی همچون نبود مفهوم یکسان این ماده‌ها در ایران، مشکلات ترجمه و یا اینکه این ماده‌ها اساساً برای جامعه دانشجوی ایرانی مناسب نبودند، باشد که در قسمت بحث به تبیین آنها پرداخته می‌شود. در شکل ۱ ساختار تحلیل عامل تأییدی پس از حذف ماده‌های مورد نظر ترسیم شده است.

جدول ۴. شاخص‌های نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	کجی	کشیدگی	آماره تحمل	آماره تورم
۱. تجربیات حیاتی زندگی	-۰/۱۹	-۰/۲۹	۰/۶۴	۱/۵۵
۲. تنظیم هیجان	-۰/۲۹	۰/۰۷	۰/۷۱	۱/۳۹
۳. تأمل/ یادآوری	-۰/۵۴	۰/۷۴	۰/۷۴	۱/۳۳
۴. شوخ‌طبعی	-۰/۳۶	۰/۴۲	۰/۷۰	۱/۴۲
۵. گشودگی به تجربیات	۰/۱۲	-۰/۱۰	۰/۶۹	۱/۴۳
۶. خرد کل	۰/۰۷	-۰/۱۷	-	-

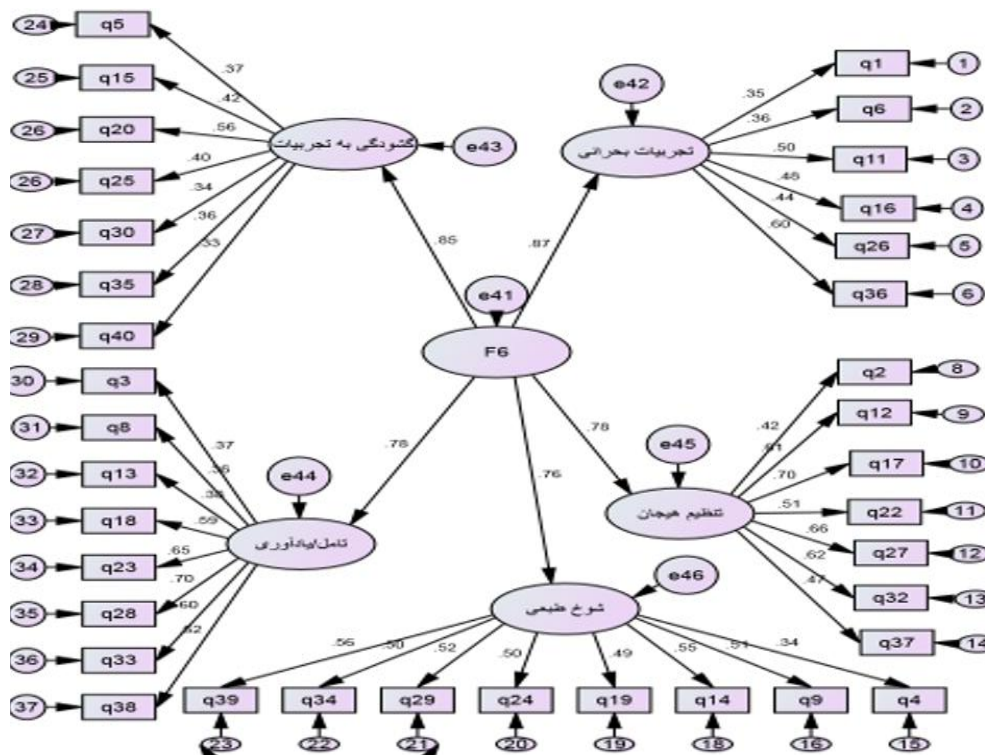
جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل تحلیل عامل تأییدی مقیاس SAWAS

شاخص	X ² /df	GFI	AGFI	IFI	CFI	RMSEA	P CLOSE
مقدار	۱/۸۷	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۰۴	۰/۹۵

جدول ۶. ضرایب رگرسیون ماده‌های مقیاس خودسنجی خردمندی همراه با بار عاملی

ابعاد	ماده	بارهای عاملی
تجربیات حیاتی زندگی	۱- بر بسیاری از حوادث دردناک (رنج‌آور) زندگی‌ام غلبه کرده‌ام.	۰/۳۵
	۶- اغلب مجبور بوده‌ام تصمیمات بسیار مهمی در زندگی بگیرم.	۰/۳۶
	۱۱- در طول زندگی‌ام با انواع بسیار متفاوتی از آدم‌ها سروکار داشته‌ام.	۰/۵۰
	۱۶- محظورات (چالش‌های) اخلاقی زیادی را تجربه کرده‌ام.	۰/۴۸
	۲۱- بسیاری از جنبه‌های منفی زندگی (مانند نبود صداقت و ریا) را شاهد بوده‌ام.	۰/۲۸
	۲۶- دوران‌های بسیار سخت زندگی را پشت سر گذرانده‌ام.	۰/۴۴
	۳۱- شخصاً دریافته‌ام که نمی‌توانم از ظاهر چیزهای بی‌بطن آن بی‌بردم.	۰/۲۴
هیجان	۳۶- درس‌های بالارزشی را درباره زندگی از دیگران آموخته‌ام.	۰/۶۰
	۲- تطبیق دادن هیجان‌هایم با موقعیتی که در آن قرار دارم برایم آسان است.	۰/۴۲
	۷- هنگام گرفتن تصمیمات شخصی، احساسات مرا تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.	۰/۲۹
	۱۲- از هیجانانگیز عمیقاً آگاه هستم.	۰/۶۱
تنظیم	۱۷- حالات هیجانی‌ام را خیلی خوب تشخیص می‌دهم.	۰/۷۰

ابعاد	ماده	بارهای عاملی	
شوخ‌طبعی	۲۲- می‌توانم به راحتی هیجانانتم را ابراز کنم، بدون اینکه احساس کنم شاید کنترلم را از دست بدهم.	۰/۵۱	
	۲۷- هیجانانظریف خودم را به خوبی تشخیص می‌دهم.	۰/۶۶	
	۳۲- می‌توانم به اقتضای موقعیت هیجانانتم را تنظیم کنم.	۰/۶۲	
	۳۷- به نظر می‌رسد که استعداد درک هیجانانتم افراد دیگر را دارم.	۰/۴۷	
	۴- می‌توانم به دستپاچگی‌های (سوتی‌های) خودم بخندم.	۰/۳۴	
	۹- حتی در شرایط بسیار دشوار زندگی چیزهای خنده‌داری (جالبی) می‌تواند وجود داشته باشد.	۰/۵۱	
	۱۴- وقتی با تحول (گذار) عمده‌ای در زندگی مواجه می‌شوم، بیشتر جنبه‌های طنزآمیز آن می‌یابم.	۰/۵۵	
	۱۹- برای خندیدن به راحتی برانگیخته می‌شوم.	۰/۴۹	
	۲۴- در این مقطع از زندگی، به راحتی می‌توانم به اشتباهاتم بخندم.	۰/۵۰	
	۲۹- از طنز و شوخی برای آرامش بخشیدن به دیگران استفاده می‌کنم.	۰/۵۲	
	۳۴- اکنون پی برده‌ام که درواقع می‌توانم برای بازی‌های کوچک روزگار ارزش قائل شوم.	۰/۵۰	
	۳۹- می‌توانم با شوخی کردن موجب خنده یا سرگرمی دیگران شوم.	۰/۵۶	
	گذردگی به تجربیات	۵- دوست دارم کتابهایی بخوانم که وادارم کند به گونه‌های مختلف درباره موضوعات فکر کنم.	۰/۳۷
		۱۰- به غیر از سبک موسیقی مورد علاقه‌ام از گوش دادن به سبک‌های مختلف هم لذت می‌برم.	۰/۲۳
۱۵- از امتحان کردن انواع مختلف غذاهای محلی لذت می‌برم.		۰/۴۲	
۲۰- اغلب به دنبال امتحان کردن چیزهای تازه و جدید هستم.		۰/۵۶	
۲۵- کارهای جنجالی و بحث برانگیز هنری، نقش مهم و ارزشمندی در جامعه ایفا می‌کند		۰/۴۰	
۳۰- بودن در بین کسانی که نظراتشان با من کاملاً متفاوت است را دوست دارم		۰/۳۴	
۳۵- درباره سایر مذاهب و مکاتب فلسفی بسیار کنجکاویم.		۰/۳۶	
۴۰- اغلب درباره زندگی و آنچه فراسوی آنست در حیرتم.		۰/۳۳	
۳- اغلب درباره پیوند و ارتباط بین گذشته و حال خود فکر می‌کنم		۰/۳۷	
۸- اغلب درباره گذشته خود فکر می‌کنم.		۰/۳۶	
۱۳- گذشته‌ام را بارها در آرامش مرور می‌کنم.		۰/۳۸	
۱۸- مرور گذشته به من کمک می‌کند تا نسبت به نگرانی‌های فعلی‌ام نگاه عمیق‌تری به‌دست آورم.		۰/۵۹	
۲۳- برای اینکه ببینم تا الان چگونه تغییر کرده‌ام، اغلب روزهای گذشته زندگی‌ام را به مرور می‌کنم.		۰/۶۵	
۲۸- یادآوری روزهای گذشته کمکم می‌کند تا نسبت به موضوعات مهم زندگی بینش به‌دست آورم.		۰/۷۰	
۳۳- اغلب به این نکته پی می‌برم که خاطرات گذشته می‌تواند منبع مهمی برای مواجه با مشکلاتم باشد.	۰/۶۰		
۳۸- به یادآوردن دستاورد و موفقیت‌های گذشته، اطمینانم را به امروز افزایش می‌دهد.	۰/۶۲		
تأمل / یادآوری			



شکل ۱. تحلیل عامل تأییدی و مدل برازش شده مقیاس خودسنجی خردمندی

روایی همگرا و واگرا: جهت بررسی روایی همگرا و واگرایی این مقیاس همبستگی بین مؤلفه‌ها و نمره کل مقیاس خودسنجی خردمندی با ابعاد روان‌آزرده‌گرایی و بازبودن به تجربه پرسشنامه شخصیت فرم کوتاه (خرمائی و فرمانی، ۱۳۹۳) بررسی گردید که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. تجربیات حیاتی زندگی	۱							
۲. تنظیم هیجان	۰/۳۴**	۱						
۳. شوخ‌طبعی	۰/۴۳**	۰/۴۰**	۱					
۴. بازبودن به تجربیات	۰/۴۶**	۰/۳۵**	۰/۴۳**	۱				
۵. تأمل و یادآوری	۰/۴۲*	۰/۴۰**	۰/۲۷*	۰/۳۲**	۱			
۶. خرد کل	۰/۷۳**	۰/۷۲**	۰/۷۵**	۰/۷۲**	۰/۶۸**	۱		
۷. روان‌آزرده‌گرایی	-۰/۳۳**	-۰/۳۳**	-۰/۱۴**	-۰/۰۹	-۰/۱۷*	-۰/۱۷**	۱	
۸. باز بودن به تجربه	۰/۲۵**	۰/۲۴**	۰/۳۲**	۰/۳۳**	۰/۲۳**	۰/۳۶**	-۰/۰۹	۱

* $P \leq 0.05$ ** $P \leq 0.01$

در جدول ۷ دیده می‌شود که ابعاد مقیاس خودسنجی خردمندی با یکدیگر و با نمره کل خردمندی ارتباط معنادار دارند و این ارتباط عوامل با نمره کل قوی‌تر از ارتباط ابعاد با یکدیگر است که نشان از همسانی درونی و روایی سازه این مقیاس است. به‌علاوه همبستگی مثبت معنادار بین نمره خرد و بعد گشودگی به تجربه ($r = 0.36$ و $p = 0.01$) نشان از روایی همگرایی مقیاس خودسنجی خردمندی و همبستگی منفی معنادار بین نمره خرد و بعد روان‌آزرده‌گرایی ($r = -0.17$ و $p = 0.01$) بیانگر روایی واگرایی این ابزار است. همبستگی مثبت با بعد گشودگی و منفی با روان‌رنجورخویی، اگرچه از نظر آماری معنادار بودند، اما از نظر قدرت نسبتاً ضعیف بودند. این می‌تواند نشان دهد که اگرچه مقیاس SAWS جهت‌گیری نظری مورد انتظار را دارد، اما احتمالاً جنبه‌های منحصر به فردی از خرد را می‌سنجد که مستقل از صفات شخصیتی پنج‌عاملی است.

• بحث

در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه خودگزارشی خردمندی وبستر (۲۰۰۷) در جامعه دانشجویی پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که الگوی بارعاملی این پژوهش با الگوی اصلی وبستر تقریباً هم‌خوانی دارد و پرسشنامه چند وجهی خرد وبستر می‌تواند با توجه به احراز شرایط علمی با اندکی تغییرات متناسب با جامعه و نمونه دانشجویی به‌عنوان یک ابزار و مقیاس معتبر در پژوهش‌های کاربردی که هدف آنها تحلیل خرد و ابعاد آن است، مورد استفاده قرار گیرد. اندک تغییرات صورت گرفته آن عبارتند از حذف ماده ۲۱ از تجربیات بحرانی زندگی، ماده ۷ از بعد تنظیم هیجان و ماده ۱۰ از بعد گشودگی به تجربه به‌دلیل بارهای عاملی پایین بود که در ادامه به تبیین آنها پرداخته می‌شود.

تحلیل عامل تأییدی نشان داد که ماده ۲۱ (بسیاری از جنبه‌های منفی زندگی مانند نبود صداقت و ریا را شاهد بوده‌ام) از بعد تجربیات بحرانی زندگی در تحلیل عامل تأییدی به‌دلیل بارعاملی پایین حذف گردید. حذف این ماده به این معنا است که این ماده به خوبی بُعدی را که قرار بوده بسنجد، اندازه نگرفته است و با ساختار عاملی باقی‌مانده هم‌خوانی ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که نبود بار عاملی مناسب برای ماده "مشاهده ریا و نبود صداقت" در نمونه دانشجویی؛ احتمالاً ناشی از ماهیت توصیفی ماده‌ها در مقایسه با عمق مفهومی "تجربه بحرانی" در چارچوب مدل خردمندی است. در واقع در ادبیات خردمندی تجربیاتی، بحرانی نامیده می‌شود که فرد را وادار به بازنگری عمیق در مفروضات بنیادین همچون پذیرش نبود قطعیت، درک دیدگاه‌های متضاد می‌کند (وبستر و دنگ، ۲۰۱۵)؛ در صورتی که در ظاهر این ماده به‌جای جنبه تحلیل‌گرانه و بینش‌منجر به خردمندی، صرفاً وقوع این تجربیات ذکر شده است و به‌عنوان عامل اصلی خردمندی که نیازمند عمق شناختی است (وبستر و همکاران، ۲۰۱۴)، پرداخته نشده است. به نظر می‌رسد که برای تبدیل شدن به یک ماده مناسب‌تر بهتر است این ماده به‌جای وقوع تجربه، عمق یادگیری از آن تجربه را آن را مورد سنجش قرار دهد. بر این

اساس پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی صورت سوال به شکل "پس از مواجهه با عدم صداقت، من توانستم دیدگاه‌های متفاوت را درک کنم" تغییر داده شود و نتایج مورد تحلیل و مقایسه با پژوهش فعلی قرار گیرد.

از دیگر نتایج این پژوهش این است که ماده ۱۰ «به جز سبک غالب موسیقی، از گوش دادن به موسیقی‌های دیگر لذت می‌برم» در بُعد گشودگی به تجربه توانست بار عاملی مناسبی نشان دهد و تأثیر گذاری این ماده به قدری ناچیز بود که قدرت تبیین خود را از دست داده و حذف گردید. در تبیین این یافته می‌توان به دیدگاه اریکسون و پژوهش‌های آرنت و چیکرینگ (۲۰۰۰) اشاره کرد که دوران دانشجویی را در شکل‌گیری و تثبیت هویت فردی و اجتماعی مؤثر می‌دانند و جوانان از موسیقی برای ابراز هویت فردی و اجتماعی و یافتن گروه‌های هم‌فکر استفاده می‌کنند (تارانت، ۲۰۰۰). بر این اساس می‌توان گفت که سبک موسیقی که فرد انتخاب می‌کند، اغلب بخشی از "برند" شخصی او می‌شود و نشان‌دهنده ارزش‌ها، طرز فکر و سبک زندگی‌اش است تا هویت اخلاقی و اجتماعی او را شکل دهد (سولی و اسپک، ۲۰۱۶). گرایش به یک سبک غالب در میان دانشجویان، بیشتر یک استراتژی اجتماعی برای ساخت هویت و احساس تعلق است و به همین دلیل شاید دانشجویان گرایش کمتری به گوش دادن به سبک‌های گوناگون موسیقی دارند. چه بسا که با ورود به مراحل بعدی زندگی و همچنین تجربه کردن سایر محیط‌های اجتماعی، این تغییر سلیقه و استفاده از سبک‌های گوناگون موسیقی اتفاق افتد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود، این پژوهش در گروه‌های بزرگسال نیز تکرار و نتایج متعدد مورد قیاس قرار گیرد.

از دیگر نتایج تحلیل عامل تأییدی حذف ماده ۷ با محتوای (هنگام گرفتن تصمیمات شخصی، احساسات مرا تحت تأثیر قرار نمی‌دهد) به دلیل بار عاملی پایین از بعد هیجان تنظیم هیجانی است. در تبیین این یافته شاید بتوان گفت که این ماده به دلیل ترکیبی از ناسازگاری مفهومی با بافت فرهنگی و اجتماعی ایران در ساختار عاملی نتوانسته است به خوبی در بعد تنظیم هیجان مورد سنجش قرار گیرد. حذف این ماده می‌تواند ناشی از تفسیر متفاوت دانشجویان ایرانی از مفهوم تصمیم‌گیری عاری از احساسات باشد. می‌توان گفت در فرهنگ‌های جمع‌گرا که با واکنش‌های احساسی قوی نسبت به دیگران همراه است (کیو و تلزر، ۲۰۱۷)، تفکیک کامل احساسات از منطقی در تصمیمات شخصی به خصوص تصمیمات مهم امری غیرواقعی و یا حتی نامطلوب تلقی می‌شود. این درحالی است که به گفته گروسمن و کراس (۲۰۱۴)، دانشجویان در تصمیم‌گیرهای مهم شخصی به دلیل افزایش تمرکز بر خود در چالش‌های زندگی شخصی بیشتر دچار برانگیختگی هیجانی می‌گردند و به جای تفکیک و جداسازی مطلق شناخت و هیجان بیشتر فرایند یکپارچه‌سازی و هماهنگی آنها مدنظر است. بر این اساس این ماده که بر نفی کامل تأثیر احساسات در تصمیم‌گیری تأکید دارد، نتوانسته بار عاملی مناسب کسب کند. در واقع به نظر می‌رسد ماده مذکور به دلیل ناسازگاری مفهومی با ساختار خود رابطه محور و رویکرد یکپارچه‌نگر به هیجان در فرهنگ ایرانی نیاز به اصلاح دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی بازبینی در مورد این سؤال و به‌کارگیری مفاهیم تعدیل‌کننده‌تری همچون نحوه مدیریت احساسات به جای حذف کامل آن صورت گیرد.

همچنین نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معنادار بین بعد گشودگی به تجربه و خردمندی و همبستگی منفی و معنادار بین روان‌آزرده‌گرایی و خردمندی وجود دارد. این نتایج همسو با پژوهش گلوک و همکاران (۲۰۱۳)، است در تبیین آن می‌توان اشاره کرد که ارتباط بین شخصیت با مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری ثابت که شرایط ایجاد ارتباط فرد با جهان پیرامون را فراهم می‌سازد (محتشمی و همکاران، ۱۴۰۲) و سازه خردمندی شناخته شده است و گشودگی به تجربه به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مثبت برای خردمندی گزارش شده است (گلوک و همکاران، ۲۰۱۳) که می‌تواند کاهش‌دهنده استرس فرد باشد (فتحی و همکاران، ۱۴۰۳). این همبستگی از طریق اشتراک در میل به کاوش فعالانه در قلمروهای جدید شناختی و تجربه‌ای توجیه می‌شود؛ چرا که ویژگی‌های فرعی گشودگی، مانند تخیل، گرایش به زیبایی‌شناسی و تمایل به بررسی دیدگاه‌های مختلف زیربنای رفتارهای ضروری برای کسب خردمندی را فراهم می‌آورد. به‌طور خاص برای دستیابی به خردمندی عملی، فرد باید با ایده‌های متناقض درگیر شود و مرزهای دانش خود را به چالش بکشد؛ این فرایند که مستلزم تفکر دیالکتیکی و فراشناخت است، قویاً به میل ذاتی فرد برای درگیری با پیچیدگی‌ها که توسط گشودگی بالا نشان داده می‌شود، وابسته است. فرد خردمند با دید فکر و تأمل شناختی به نتایج بهینه و مناسب دست پیدا می‌کند و در نهایت صحیح‌ترین روش بر پایه دانش، تجربه و فهم را انتخاب می‌کند (گلوک و بلوک، ۲۰۱۱). بنابراین، گشودگی به‌عنوان یک استعداد شخصیتی عمل می‌کند که ظرفیت فرد را برای درک و تلفیق ابعاد چندگانه یک موقعیت -که هسته اصلی قضاوت خردمندانه است- افزایش می‌دهد. بر این اساس همبستگی بین گشودگی به تجربه و خردمندی قابل تبیین است. به‌علاوه در مورد همبستگی منفی معنادار

بین روان‌آزرده‌گرایی و نمره خرد کلی می‌توان گفت که روان‌رنجورخویان با داشتن عواطف ناسالم همچون اضطراب و گناه در تصمیم‌گیری‌های خود تکانشی عمل کرده (تامارا و بنیت، ۲۰۱۵) و با سطوح بالای بی‌ثباتی عاطفی، تمایل کمتری به نشان‌دادن رفتارهای خردمندانه دارند. می‌توان گفت تضاد این دو مفهوم ناشی از ماهیت فرآیندی خردمندی است که نیازمند تنظیم عاطفی مؤثر، پذیرش نبود قطعیت و دیدگاه‌های فراگیر است و به‌طور مسلم سطوح بالای روان‌رنجورخویی به‌طور سیستماتیک توانایی فرد برای دستیابی به این پیش‌نیازها را تضعیف می‌کند. به همین دلیل ارتباط معکوس این دو قابل تبیین به‌نظر می‌رسد.

• نتیجه‌گیری

به‌صورت کلی با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان انتظار داشت که پرسشنامه خودسنجی خرد با احتیاط و پس‌از اصلاحات جزئی بتواند به‌عنوان یک ابزار و مقیاس معتبر در پژوهش‌های کاربردی که هدف آنها تحلیل خرد در کنار همبستگی با سایر سازه‌های روان‌شناسی است، مورد استفاده قرار گیرد. تفاوت‌های جزئی در برخی از ماده‌ها می‌تواند دال بر ویژگی‌های فرهنگی جوامع متعدد باشد و شاید الگوی بارگذاری عوامل در تحقیقات آینده بیشتر شبیه مقیاس خودسنجی وبستر باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که در نمونه ایرانی در مقایسه با نمونه اصلی، همان پنج عامل خردمندی با اندکی تغییرات معنا دار شد. برای دستیابی به یافته‌های قابل اعتمادتر در این زمینه تکرار این دست پژوهش‌ها در نمونه‌های مختلف ضروری است. بر این مبنا پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آینده اعتبار این ابزار را در میان زیرگروه‌های جمعیتی مختلف (نظیر رشته‌های تحصیلی یا بافت‌های فرهنگی متفاوت) سنجش نمایند تا قابلیت تعمیم نتایج تضمین شود. به‌علاوه با توجه به اعتبار کسب شده توسط ابزار در این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که مسیر تحقیقات آتی به سمت کاربردهای عملی و مداخله‌ای هدایت شود و پژوهشگران با استفاده از این ابزار، برنامه‌های آموزشی هدف‌مند با هدف تقویت ابعاد خردمندی طراحی کرده و اثربخشی آنها را از طریق طرح‌های دقیق مورد ارزیابی قرار دهند.

• تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از کلیه دانشجویانی ما را در انجام پژوهش حاضر همراهی کردند، تشکر و قدردانی صورت می‌گیرد.

• تعارض منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد. همچنین کلیه هزینه‌های مالی پژوهش بر عهده نویسنده بوده است و در قبال انجام این پژوهش هیچ وجهی از شخص و یا سازمانی دریافت نشده است.

• منابع

- جعفری، زهره؛ طالع پسند، سیاوش و رحیمیان بوگر، اسحاق (۱۳۹۶). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس رشد خرد در دانشجویان. *مطالعات اندازہ‌گیری و ارزشیابی آموزشی* ۷ (۱۷)، ۷۹-۱۰۸. <https://sid.ir/paper/255207/fa>
- خرمائی، فرهاد و فرمانی، اعظم (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۴ (۱۶)، ۲۹-۳۹. <https://sid.ir/paper/227492/fa>
- علیزاده، محسن؛ عالیپور بیرگانی، سیروس و شهنی بیلاق، منیجه (۱۴۰۲). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و سرزندگی تحصیلی: نقش واسطه‌گری راهبردهای یادگیری خودتنظیمی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۷ (۱۰۷)، ۳۰۴-۳۱۲. <http://www.iranapsy.ir/Article/42030>
- فتحی، لیلا؛ فراهانی، محمدنقی و خانی‌پور، حمید (۱۴۰۳). رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با رضایت شغلی: نقش واسطه‌ای استرس شغلی و ادراک از عدالت رویه‌ای. *مجله روان‌شناسی*، ۲۸ (۱۰۹)، ۹۰-۱۰۰. <http://www.iranapsy.ir/Article/42856>
- محتشمی، مریم؛ ضرغامی، محمدحسین؛ نبوشا، بهشته (۱۴۰۲). انتخاب مناسب‌ترین سؤال‌ها شخصیت در سنجش ابعاد شخصیتی: ترکیب نظریه خصیصه مکنون و تحلیل داده‌های شبکه. *مجله روان‌شناسی*، ۲۷ (۱۰۶)، ۱۵۴-۱۶۴. <http://www.iranapsy.ir/Article/39728>
- منظمی‌تبار، فریبا، کرد نوقابی، رسول، رشید، خسرو، و یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۹۸). ساخت و اعتباریابی آزمون خرد براساس مؤلفه‌های ایرانی. *اندازہ‌گیری تربیتی*، ۹ (۳۶)، ۹۱-۱۱۷. <https://sid.ir/paper/214541/fa>
- Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a Three-Dimensional Wisdom Scale. *Research on Aging*, 25 (3), 275-324. doi.org/10.1177/0164027503025003004

- Arnett, J. J. (2000). Emerging Adulthood: A Theory of Development from the Late Teens through the Twenties. *American Psychologist*, 55 (5), 469-480. doi.org/10.1037/0003-066X.55.5.469
- Baltes, P. B., Staudinger, U. M. (2000). Wisdom: A metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence. *American Psychologist*, 55 (1), 122–136. doi.org/10.1037/0003-066X.55.1.122
- Brienza, J. P., Kung, F. Y. H., Santos, H. C., Bobocel, D. R., Grossmann, I. (2018). Wisdom, bias, and balance: Toward a process-sensitive measurement of wisdom-related cognition. *Personality and Social Psychology*, 115, 1093–1126. [doi. 10.1037/pspp0000171](https://doi.org/10.1037/pspp0000171)
- Brugman, G. (2000). Wisdom: Source of narrative coherence and eudaimonia. Delft, The Netherlands' Uitgeverij Eberon. doi.org/10.1017/CBO9780511610486.002
- Chang, A. M., Chau, J. P.C, Holroyd, E. (1999). Translation of questionnaires and issues of equivalence. *Advanced Nursing*, 29 (2):316–22. [doi. 10.1046/j.1365-2648.1999.00891](https://doi.org/10.1046/j.1365-2648.1999.00891)
- Cheraghi, F., Kadivar, P., Ardel, M., Asgari, A., & Farzad, V. (2015). Gender as a moderator of the relation between age cohort and three-dimensional wisdom in Iranian culture. *The International Journal of Aging & Human Development*, 81 (1-2), 3–26. doi.org/10.1177/0091415015616394
- Ferrari, M., Alhosseini, F. (2019). Cultural differences in wisdom and conceptions of wisdom. In Sternberg R. J., Glück J. (Eds.), *The Cambridge handbook of wisdom* (pp. 409–428). Cambridge University Press. doi.org/10.1017/9781108568272.019
- Fung, S, Kong, C.Y.W, Huang, Q. (2020). Evaluating the Dimensionality and Psychometric Properties of the Brief Self-Control Scale Amongst Chinese University Students. *Quantitative Psychology and Measurement*. 10,1–10. [doi.10.3389/fpsyg.2019.02903](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02903)
- Glück, J. (2018). New developments in psychological wisdom research: A growing field of increasing importance. *The Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 73, 1335–1338. doi.org/10.1093/geronb/gby102
- Gluck, J., & Bluck, S. (2011). Laypeople's conceptions of wisdom and its development: cognitive and integrative views. *Gerontology Series B*, 66 (3), 321–324. [doi.10.1093/geronb/gbr011](https://doi.org/10.1093/geronb/gbr011)
- Glück, J., Bluck, S. (2013). The MORE Life Experience Model: A theory of the development of personal wisdom. In Ferrari M., Weststrate N. M. (Eds.), *The scientific study of personal wisdom* (pp. 75–98). Springer. doi.org/10.1007/978-94-007-7987-7_4
- Gluck, J., König, S., Naschenweng, K., Redzanowski, U., Dorner, L., Strasser, I., & Wiedermann, W. (2013). How to measure wisdom: Content, reliability, and validity of five measures. *Frontiers in Psychology*, 4, 1–13. [doi.10.3389/fpsyg.2013.00405](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2013.00405)
- Grossmann I, Kross E. *Exploring Solomon's paradox: Self-distancing eliminates the self-other asymmetry in wise reasoning about close relationships in younger and older adults. Psychological Science*. 2014; 25:1571–1580. [doi. 10.1177/0956797614535400](https://doi.org/10.1177/0956797614535400)
- Grossmann, I., Kross, E. (2014). Exploring Solomon's paradox: Self-distancing eliminates the self-other asymmetry in wise reasoning about close relationships in younger and older adults. *Psychological Science*, 25 (8), 1571–1580. [doi. 10.1177/0956797614535400](https://doi.org/10.1177/0956797614535400)
- Kunzmann, U. (2019). Performance-based measures of wisdom: State of the art and future directions. In Sternberg R. J., Glück J. (Eds.), *The Cambridge handbook of wisdom* (pp. 277–296). Cambridge University Press. doi.org/10.1017/9781108568272.014
- Soley, G., & Spelke, E.S. (2016). Shared cultural knowledge: Effects of music on young children's social preferences. *Cognition*, 148, 106–116. doi.org/10.1016/j.cognition.2015.09.017
- Staudinger, U. M. & Glück, J. (2011). Psychological wisdom research commonalities and differences in a growing field. *Annual Review of Psychology*, 62, 215-241. doi.org/10.1146/annurev.psych.121208.131659
- Sternberg, R. J. (2020). The augmented theory of successful intelligence. In Cambridge hand book of intelligence, (2Ed). In R. J. Sternberg. Cambridge: Cambridge University Press, 2, 679 – 708. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511977244>
- Sternberg, R. J. (2023). Introduction: Intelligence, creativity, and wisdom: A brief intellectual history of the theory and research on their interrelationships. In R. J. Sternberg., J. C. Kaufman, & S. Karami (Eds.), *Intelligence, creativity, and wisdom: Exploring their connections and distinctions* (1-20). Palgrave-Macmillan. doi.org/10.1007/978-3-031-26772-7
- Sternberg, R., J., Glück, J & Karami, S . (2022). The Psychology of Wisdom. Cambridge University Press. In R.J., Sternberg & J. Gluck. 53-69. *Psychological Theories of Wisdom*, 53-69. [doi.10.1017/9781009085724.006](https://doi.org/10.1017/9781009085724.006)
- Tamara, L. G., & Bennett, E. P. (2015). Big five personality and academic dishonesty: A metanalytic review. *Personality and Individual Differences*, 72, 5961Guilford Press. [doi.10.1016/j.paid.2014.08.027](https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.08.027)
- Tarrant, Mark; North, Adrian C.; Hargreaves, David J. (2000). English and American Adolescents' Reasons for Listening to Music. *Psychology of Music*, 28 (2), 166-173. [doi. org/10. 1177/0305735600282005](https://doi.org/10.1177/0305735600282005)
- Taylor, M., Bates, G., Webster, J. D. (2011). Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: predicting forgiveness and psychological well-being with the self-assessed wisdom scale (SAWS) and the three-dimensional wisdom scale (3D-WS). *Experimental Aging Research* 37 (2):241-55. doi.org/10.1080/0361073X.2011.554508
- Webster, J. D. (2007). Measuring the character strength of wisdom. *International Journal of Aging & Human Development*, 65 (2), 163–183. [doi. 10.2190/AG.65.2.d](https://doi.org/10.2190/AG.65.2.d)
- Webster, J. D. (2010). Wisdom and positive psychosocial values in young adulthood. *Journal of Adult Development*, 17 (2), 70–80. doi.org/10.1007/s10804-009-9081-z

- Webster, J. D. (2019). Self-report wisdom measures: Strengths, limitations, and future directions. In Sternberg R. J., Glück J. (Eds.), *The Cambridge handbook of wisdom* (pp. 297–320). Cambridge University Press. Crossref. [doi.10.1017/9781108568272.015](https://doi.org/10.1017/9781108568272.015)
- Webster, J. D., & Deng, C. (2015). Paths from trauma to intrapersonal strength: Worldview, post traumatic growth, and wisdom. *Journal of Loss and Trauma*, 20, (3):253–66. [doi.10.1080/15325024.2014.932207](https://doi.org/10.1080/15325024.2014.932207)
- Webster, J. D., Westerhof, G. J., Bohlmeijer, E. T. (2014). Wisdom and mental health across the lifespan. *The Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 69, 209–218. [doi.10.1093/geronb/gbs121](https://doi.org/10.1093/geronb/gbs121)
- Webster, J. D., Weststrate, N. M., Ferrari, M., Munroe, M., Pierce, T. W. (2018). Wisdom and meaning in emerging adulthood. *Emerg Adulthood*, 6 (2),118–36. [doi.10.1177/2167696817707662](https://doi.org/10.1177/2167696817707662)
- Weststrate, N. M., Bluck, S., Glück, J. (2019). Wisdom of the crowd: Exploring people’s conceptions of wisdom. In Sternberg R. J., Glück J. (Eds.), *Cambridge handbook of wisdom* (pp.97–121). Cambridge University Press. doi.org/10.1017/9781108568272.006
- Yang, S. (2001). Conceptions of wisdom among Taiwanese Chinese. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32 (6), 662–680. [doi.10.1177/0022022101032006002](https://doi.org/10.1177/0022022101032006002)
- Zhang, K., Shi, J., Wang, F. & Ferrari, M. (2023). Wisdom: Meaning, structure, types, arguments, and future concerns. *Current Psychology*, 24, 15030–15051. [doi.10.1007/s12144-022-02816-6](https://doi.org/10.1007/s12144-022-02816-6)